گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۲۹۱۱
دوشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۰ ۷:۲۱

طرح پایان بشریت برای یک سوم جمعیت کره زمین!

هفت سال پیش که «بیل گیتس» بنیانگذار «مایکروسافت» از جلگه «سیلیکون» به وادی داروسازی مهاجرت کرد، جهان احساس کرد که اتفاقی ناخوشایند در شرف انجام است؛ او چیزی می دانست یا خود و همفکرانش طراح یک ایده هولناک بوده اند؟؛ اینها سوالاتی است که با کشتار کرونا به محل توجه جهانی تبدیل شده است.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، بیل گیتس یک سال بعد از ورود به عرصه دارو سازی در اظهاراتی نگران کننده از افزایش بی رویه جمعیت جهانی و طرح هایی پیرامون کاهش جمعیت به میزان یک سوم خبر داد.
بعد از ظهور ویروس کرونا در اواخر ۲۰۱۹ و اوائل ۲۰۲۰، بسیاری از فعالان اجتماعی در اروپا و آمریکا، این اظهارات گیتس را که حدود پنج سال قبل از ظهور این ویروس عنوان کرده بود، به یاد آوردند و بین این اظهارات سرمایه دار بزرگ آمریکایی و آنچه در حال رخ دادن است، ارتباط قائل شدند.
بسیاری از رسانه های بزرگ جهان با وجود تلاش برای قراردادن این انگاره ها در تئوری «توهم توطئه» انتساب چنین سخنانی را به گیتس، عاری از صحت دانستند.
گیتس در اوائل سال جاری نیز در اظهاراتی به خبرگزاری «رویترز» گفته بود که از انتساب این اظهارات به او ابراز تعجب می کند، بدون شک این انگاره ها «دیوانگی» و «پلید» است.
با این حال بیل گیتس در قضیه ساخت واکسن کرونا یکی از بزرگترین تامین کنندگان مالی این پروژه به شمار می رود که مبلغی بیش از یک میلیارد و ۷۵۰ میلیون دلار برای آن اختصاص داده شده است.
آیا همه این حرف ها توهم است؟
دادگاه بین المللی موسوم به «عدالت طبیعی» (INTJ) که یکی از دادگاه های غیر رسمی در عرصه بین المللی است، به دلیل اهتمام به مسائل خشونت، کودک آزاری و خطرات داروها و واکسن ها بر سلامت انسان، در طول دو سال اخیر همه گیری کرونا به طرح سازماندهی شده نابودی بخشی از بشریت، اهتمام ویژه ای داده است.
«جوهان والش» یکی از قضات برجسته دنیا، ریاست این دادگاه را برعهده دارد و همان طور که در منشور این دادگاه آمده، صرفا محلی برای جمع آوری ادله و گوش دادن به شهادات شاهدان است اما حکم قضایی صادر نمی کند.
در اوائل سال جاری این دادگاه درباره تاثیرات داروها بر سلامت انسان به ویژه داروهای سرطانی جلسه ویژه شنود اظهارات دکتر «روبرت یانگ» را برگزار کرد.
دکتر یانگ یک پزشک آمریکایی است که به دلیل اعتراض به اثرات مخرب و مرگ آور داروهای سرطانی، دولت آمریکا او را از کار، بیکار کرد.
بخش هایی از این اظهارات که درباره طرح ویژه برای نابودی یک سوم جمعیت جهان (سه میلیارد انسان) است، به تازگی در سطح شبکه های اجتماعی عراق نیز بازتاب نسبتا زیادی داشته است.
دکتر یانگ در اظهاراتش به نکته حائز اهمیتی اشاره می کند و می گوید: آنچه به نام داروهای سرطانی به بیماران می دهند، در واقع دارو نیست بلکه سم کشنده است!
او همچنین اسناد مهمی از تاثیرات داروهای سرطانی بر سلول های بدن ارائه و سپس به وجود یک طرح شیطانی برای نابودی یک سوم جمعیت جهان اشاره کرد.
جوهان والش رییس دادگاه در خصوص این مقطع از سخنان یانگ خطاب به او گفت: «قصد پرسش ندارم اما به موضوع نابودی یک سوم جمعیت جهان اشاره کرده اید که می خواهم یک داستان را در این خصوص تعریف کنم.»
وی ادامه می دهد که یکی از دوستانم که از صاحب منصبان بزرگ است، اخیرا در مجمع جهانی اقتصادی «داووس» (سوئیس) شرکت کرد و بعد از بازگشت به من گفت که طرحی برای نابودی یک سوم جهان تدارک دیده شده است.
به گفته وی، غربی ها که خود را جنس برتر می دانند، تصمیم دارند که این طرح را نخست از طریق واکسن ها و داروها علیه مردم آفریقا که از نظر آنها گونه دون پایه هستند، به اجرا بگذارند.
والش می گوید که از این دوستم به طنز پرسیدم که من هم جزو این سه میلیارد نفری هستم که قرار است نابود شوند و او جواب داد که شما اروپایی و جزو جنس سفید (جنس برتر) هستید!
دکتر یانگ نیز توضیح داد که این چیز تازه ای نیست و پیش از این بیل گیتس هم درباره نابودی سه میلیارد انسان (یک سوم جهان) سخن گفته و از آن فراتر «هنری کسینجر» (وزیر پیشین امور خارجه آمریکا) هم چنین طرحی را طرح خوبی توصیف کرده است.
ایده نابودی بخشی از جمعیت جهان، چیز تازه ای نیست و سابقه ای ۷۰ ساله در اروپا و آمریکا دارد و بارها به اشکال مختلف از طرف نویسندگان سفید پوست غربی یا صاحبان قدرت و پول در این کشورها مطرح شده است.
«هرمان کان» (۱۹۲۲ – ۱۹۸۳) نویسنده معروف آمریکایی از جمله شخصیت های معروف غربی است که جنگ را بر صلح برای بهبود شرایط در زمین ترجیح داده است.
او معتقد بود که «اگر در نتیجه یک جنگ هسته ای بین آمریکا و «اتحاد جماهیر شوروی وقت) شصت میلیون آمریکایی کشته شوند و به همین میزان و بیشتر ما بتوانیم از روس ها بکشیم، برای هر دو بهتر است.»
«روبرت مالتوس» پژوهشگر انگلیسی حوزه اقتصاد در اواخر قرن نوزدهم نیز با اشاره به روند تصاعدی جمعیت در مقایسه با روند کند رشد منابع طبیعی به این نتیجه رسیده است که جهان در سده های آینده با رشد بی سابقه جمعیت مواجه خواهد شد.
طبق گفته او، روند رشد جمعیت به صورت تصاعد هندسی (۲، ۴، ۸، ۱۶...) است در حالی که روند رشد منابع طبیعی به صورت تصاعد حسابی (۲،۴،۶،۸...) است.

از این رو، برخی از گروه های تندرو معتقد به جنس برتر در آمریکا و اروپا به طرز جدی این رویه نابودی بخشی از جنس ادعایی کهتر در برابر نوع مفروض مهتر را در دستور کار قرار داده اند.
طرح «لوگانو» یا باشگاه لوگانو یکی از این طرح های مخوف است که برخی از پژوهشگران وابسته به سازمان ملل، وجود آن را تایید کرده اند.
مجموعه ای از راستگرایان تندرو آمریکایی به همراه برخی از همفکرانشان در اورپا در ۱۹۹۶ در شهر «لوگانو» سوئیس (میزبان هرساله مجمع جهانی اقتصادی داووس) جمع شدند و سند موسوم به «گونه برتر» را تدوین کردند.
«سوزان جورج» مدیر امور خاورمیانه در سازمان ملل در دهه ۹۰ قرن گذشته و دستیار مدیر اندیشکده فراقومیتی در واشنگتن در کتاب معروف «The Lugan Report» (گزارش لوگانو)، وجود این گزارش را مورد تایید قرار داد.
بر پایه گزارش لوگانو، برای حفظ «لیبرالیسم» در قرن ۲۱ باید جمعیت در جهان مهار شود و از این رو سه حوزه مهم «مصرف»، «فناوری» و «جمعیت» را به عنوان چالش های پیش رو مطرح کرده است.
این گزارش در بخش جمعیت جهان معتقد است که جمعیت جهان در وقت حاضر (اواخر دهه ۹۰ قرن گذشته) ۶ میلیارد نفر است در حالی که جمعیت جهان در ۱۹۷۰ سه میلیارد بود و روزانه ۳۶۰ هزار کودک متولد شده که ۹۰ درصد نوزادان از کشورهای موسوم به جهان سوم هستند یعنی هرسال یک جمعیت به اندازه مکزیک و هر ۱۲ سال یک جمعیت به اندازه کشور هند به جهان افزوده می شود.
در این گزارش دو مرحله برای مهار جمعیت در سال ۲۰۰۰ و سپس ۲۰۲۰ (ظهور ویروس کرونا) مطرح شد تا جمعیت جهان را بتوان دوباره به ۱۹۷۵ یعنی پنج میلیارد نفر رساند.
باشگاه لوگانو، طرح وحشتناکی از مهار جمعیت با استفاده از شیوع بیماری و کاهش زاد و ولدها از طریق داروها و واکسن ها به ویژه در کشورهای فقیر تهیه کرده است.
کشور چین به عنوان یک کشور در حال توسعه در اواخر قرن بیستم، در این طرح به شدت مورد توجه قرار گرفته و بر ضرورت مهار جمعیت در این کشور تاکید شده است.
از این رو برخی از صاحب نظران بین آنچه در گزارش باشگاه لوگانو آمده و لوحه های بزرگ سنگی شهر «البرتا» در ایالت «جورجیا»ی آمریکا، ارتباط قائل هستند.
در این لوحه های سنگی گرانیتی که طول هریک از آنها نزدیک به پنج متر و وزن هریک ۲۰ تن است، عبارت حائز اهمیتی وجود دارد. اینکه جمعیت بشر نباید از ۵۰۰ میلیون نفر تجاوز کند تا موازنه در جهان رعایت شود.

سنگ نوشته جورجیا که به حفظ جمعیت جهان زیر رقم ۵۰۰ میلیون نفر اشاره کرده است

این لوح های سنگی برخلاف لوح های تاریخی، عمری چند هزار ساله ندارد بلکه متعلق به چهار دهه قبل است که تصور می شود آن را یک شرکت آمریکایی متخصص در سنگ های گرانیتی همسو با افکار تندرو راستگرایان آمریکا ساخته است.
این لوح ها به زبان های مختلف زنده دنیا و همچنین زبان های باستانی مثل بابلی، یونانی، سانسکریت هندی و هیروگلیفی مصری نوشته شده است و در بر دارنده ۱۰ فرمان (مشابه ۱۰ فرمان در دین یهودی) است که مهمترین فقره آن تاکید بر مهار جمعیت است.
برخی ساخت این لوح های بزرگ گرانیتی را کار فراماسونری جهانی دانسته اند که همسو با افکار راستگرایان آمریکایی و هم نژادهای آنها در اروپا تدوین شده است.
در برهه شیوع کرونا، اشاره به این لوح های گرانیتی در آمریکا بار دیگر مورد توجه جهانیان قرار گرفت و برخی مخالفان ایده جنس برتر تلاش کردند این لوح های سنگی را نابود کنند اما نتوانستند.
در میان غربی ها نویسندگان زیادی در گذشته و عصر حاضر هستند که به طور مستقیم و غیر مستقیم اشاره به ضرورت حفظ دستاوردهای لیبرالیسم به عنوان میراث جنس برتر اشاره می کنند.
این تندروی تا جایی پیش رفته که امثال «فرانسیس فوکویاما» اندیشمند آمریکایی ژاپنی الاصل، لیبرالیسم را پایان تاریخ ذکر کرده و «یوفال نوح هراری» از انسان لیبرالیسم به عنوان «انسان خدا» نام برده است.
از این رو بعد از چندین سال از نوشتن کتاب «گروه ۳۰۰» (سال انتشار ۱۹۹۲) توسط «جان کولمان» کارمند سابق سازمان اطلاعات آمریکا احساس می شود که این گونه طرح های مخوف برای مهار جمعیت جهان یا نابودی برخی کشورها، چندان هم خواب و خیال، یا ناشی از توهم توطئه نیست.
کولمان در کتاب خود به وجود نقشه ای جهانی، برای مهار و نابودی ایتالیا اشاره کرد که در آن زمان غیر واقع بینانه تصور می شد اما بعد از گذشت سه دهه از این سخنان، روند تخریب ایتالیا در نتیجه بحران اقتصادی و کرونا، این روزها قابل رویت است.
ایده پایان بشریت
از سوی دیگر، واقعیت های شیوع بیماری ها در سه دهه اخیر نشان می دهند برخلاف همه طرح های مطرح شده درباره نابودی یک سوم بشر، تمامی این بیمارها و داروها و واکسن های ساخته شده، نتوانسته اند تلفات زیادی به دنبال داشته باشند.
برای مثال تعداد کل مرگ و میرهای ناشی از کرونا در سراسر جهان بالغ بر چهار میلیون نفر است، در مقایسه با انتشار ویروس آنفلوانزای اسپانیایی در اوائل قرن گذشته که بالغ بر ۵۰ میلیون نفر بود، رقم مرگ و میر ناشی از کرونا، ناچیز ارزیابی شده است.
از این رو افزایش بی رویه جمعیت و همزمان، کاهش منابع طبیعی به طرز جنون آمیزی، ایده «کشتی نوح» را در میان غربی ها تقویت کرده است.
طبق این طرح مخوف، قبل از وقوع فاجعه بزرگ باید به نحوی بتوان تعداد ناچیز و منتخبی از مردم مورد ادعای دارای جنس برتر از این فاجعه پیش رو، نجات یابند.
آنچه امروز هالیوود برای آن از طریق فیلم هایش تبلیغ می کند، صرفا برای سرگرمی و وقت گذرانی و درآمدزایی نیست بلکه به اعتقاد صاحب نظران، اشاره ای هولناک به این طرح های مخوف است.
هراری در کتاب «انسان اله» می نویسد: «حتی اگر شرایط بدتر از این شود و علم نتواند جلو این توفان را بگیرد، مهندسان همچنان قادر هستند کشتی نوح را با فناوری فوق پیشرفته برای نسل برتر بسازند و در مقابل، میلیاردها انسان دیگر غرق شوند.»
به گفته او، «ایمان به این کشتی فوق پیشرفته در وقت حاضر یکی از خطرات بزرگی است که آینده بشر و نظام اکوسیستم ما را تهدید می کند، برای همین نباید آنها که به فناوری های پیشرفته اعتقاد دارند، مسوول محیط زیست بشری شوند.»

از این رو، وقتی یکی مثل بیل گیتس خلیج سانفرانسیسکو در ایالت کالیفرنیای آمریکا، معروف به جلگه سیلیکون را که محل شرکت های بزرگ فناوری، رایانه ای و برنامه نویسی است، ترک می کند و پا به عرصه بهداشت و دارو سازی می گذارد و پنج سال قبل از همه گیری کرونا، از کاهش سه میلیاردی جمعیت سخن می گوید، آیا جهان نباید آشفته شود و نباید این سخنان را جدی گرفت؟